

سیب سرخ و دست چلاق

امیر فیض - حقوقدان

سه شنبه ۴ مه - ۲۰۱۰

عده ای از ایرانیان مقیم خارج از کشور نسبت به اظهارات آخوند کاظم صدیقی امام جمعه موقت تهران واکنش نشان داده اند.

آخوند مزبور، بین گناهان کبیره مردم و زلزله قائل به ارتباط شده است، و گفته (وقتی زنا زیاد شود زلزله هم زیاد می شود)

واکنش آن عده از ایرانیان نسبت به این اظهارات آخوند بصورت جمع آوری امضاء و نامه اعتراضی به دبیرکل سازمان ملل متحد در آمده است.

اعتراض آقایان شامل موارد زیر است:

- ۱- از یکسو جمهوری اسلامی خواستار فناوری هسته ای است و از سوی دیگر روحانیون بلند پایه (!)، متعصب و خرافاتی هستند و نمی توان بلند پروازی های جمهوری اسلامی را با آسودگی خیال بدست این متعصبان و خرافه پرست سپرد.
- ۲- این قبیل اظهارات (مقصود ارتباط بین زلزله و گناهان کبیره) توهین به ملت ایران است.
- ۳- از آنجا که این اظهارات فاقد ارزش علمی است باعث سلب اعتماد مردم نسبت به سران مملکت می شود.
- ۴- و در نهایت نویسندگان نامه به (آیت الله خامنه ای رهبر ایران!) - عبارت از نامه مزبور است - توصیه کرده اند اینگونه اظهارات غیر علمی مشاوران خود را رسماً تکذیب کند.

خرافه نیست، نص واصل است:

نخست این توجه بجاست که «خرافه» که به معنای بیهوده گویی است متوجه موضوعاتی است که متکی به نص تایید شده و یا باور عمومی نباشد.

اگر بخواهیم یک نمونه از خرافه را بیاوریم، این است که میگویند: «درجنبش سبز هرکس رهبر است» این سخن خرافه است چرا که نه متکی به نص و اساسنامه است و نه باور اجتماعی مردم آنرا قبول دارد.

مسئله ارتباط گناهان کبیره با زلزله و یا بادهای شنی و طوفانهای مهیب و امثال آن ها متکی به آیات قرآن است بنابراین اطلاق خرافه به آنها درست نیست.

آخوند کاظم نقل قول از آیات قرآن را کرده است و برطبق ظوابط حقوقی اسلامی وحتا حقوق مدرن، نقل قول از کسی ویا منبعی چه درست ویا غلط ایجاد اتهام نمی کند.^۱

پریشان قاتنی شیرازی این اصل حقوقی را در بیت زیر بیان کرده است.

حکایتی که کس از قول دیگران گوید اگر صواب بود ورخطا معذور است

به جرات می توان گفت دربین بهانه های مختلفی که برای توقف فعالیت های اتمی ایران تاکنون عنوان شده بهانه خرافه سرانی سران جمهوری اسلامی از همه شل تر و بی رمق تر است همانقدر که امضا کنندگان آن نامه از ارتباط دادن گناهان کبیره به زلزله و آفات سماوی حیرت کرده اند، دو چندان ارتباط دادن سخنان یک آخوند به فناوری هسته ای باعث حیرت است آنهم از جانب کسانی که خودرا روشنفکر معرفی می کنند و به قول رایج: «... به شقیقه چکار دارد»

مگر پاکستان و بیشتر مردم هند و بازهم بیشتر مردم اسرائیل اوهامی و خرافاتی نیستند؟ مگر همین آمریکا گرفتار خرافات بی اصل نیست؟ آقای ریگان تصمیمات حکومتی اش براساس فال و اعتقاد به خرافات اتخاذ میگردید، هم اکنون در آمریکا شرکت هایی فعالند که کارشان پاک کردن خانه ها از جن و روح است.^۲

چطور این کشور ها باید فناوری هسته ای و حتا سلاح اتمی داشته باشند ولی ایران بعلت خرافه گویی یک آخوند ! نباید داشته باشد، آیا سیب سرخ برای دست چلاق بد است؟

آقایان محترم به این نکته توجه بفرمایید که فناوری هسته ای حقی است که جامعه جهانی بموجب اساسنامه آژانس انرژی اتمی برای کشور ها قایل شده است نه حقی که برای سران رژیم ها ویا دولت ها منظور کرده باشد.

کشور با دولت ویا رژیم تفاوت دارد، این تفاوت بسیار هم مهم است دررراه مبارزه ومخالفت با جمهوری اسلامی نباید از نظر دورباشد.

دراساسنامه سازمان انرژی اتمی شرط نشده که اگر کشوری خرافاتی بود تا چه رسد که اقلیت کوچکی از آن خرافاتی باشد، حق داشتن فناوری اتمی را ندارد.

کشور ها حتا آنها که خرافاتی هستند نه تنها حق استفاده از انرژی هسته ای را دارند بلکه داشتن سلاح اتمی هم حق مسلم آنها است. زیرا حقوق بین المللی ناظر است که هرگاه کشور ها از حقی استفاده کردند، آن حق برای سایر کشور ها هم بصورت حق در می آید چه کشور کوچک ویا بزرگ باشد.^۳

درحالیکه جامعه جهانی کشور هایی مانند پاکستان، اسرائیل، هند، آمریکا، روسیه، و فرانسه و چین و حتا آفریقای جنوبی و آرژانتین دارای سلاح های اتمی هستند، تمامی کشور ها هم این حق را دارند.

^۱ - از همین رو است کتاب های آخوند ها ویا مذهبیبون در نقل روایت از قول امامان آنها از جند صافی «نقل است... نقل است... نقل است...» می گذرانند. زیرا خودشان هم می دانند حقیقت و پایه و اساسی درستی ندارد. ح-ک

^۲ - Ghost buster

^۳ - جای تعجب نخواهد بود که برخی ندادن و نابخرد این مورد را به نوع دیگری تعبیر و باز لباس «الله کرمی» خویش را بپوشند و فریاد بردارند که این حرف در جهت امیال رژیم اسلامی است. درحالیکه درک این مطلب نیاز به خرد سیاسی و خرد حقوقی دارد. حق داشتن نیروی اتم همانطور که برای اسرائیل و هند که اصلا عضویت منع گسترش سلاح های اتمی را امضا نکرده اند برای هر کشوری حق است. بیشتر الم شنگه ها از سوی اسرائیل برای اینکه بیکه تاز میدان خاورمیانه باشد راه می افتند. دعوا برسرحاف ملا است. وگرنه ایران حق داشتن هر نوع حق حاکمیت ملی را دارد و حق حاکمیت ملی (مردم) با حقی که جمهوری اسلامی برای خود قائل است ۱۸۰ درجه تفاوت دارد. ح-ک

باید فرق گذاشت بین حق متعلق به کشور در رابطه با حقوق بین الملل با رفتار و عملکرد دولت ها و به همین دلیل است که رعایت و یا عدم رعایت حقوق بشر و همچنین سیستم های اداره کشور اعم از دموکراسی و یا دیکتاتوری، شرط استفاده کشور ها از حق انرژی اتمی نیست و در اساسنامه سازمان ملل و یا اعلامیه حقوق بشر و یا مقررات آژانس بین المللی اتمی نیز به مسائیل مذکور اشاره ای نشده است.

توهین به ملت ایران:

آقایان مدعی شده اند که اظهارات آخوند مزبور، توهین به ملت ایران است.

ملتی که مسلمان است و قرآن را نازل خدایند میدانند و آنرا منشاء قانون اساسی خود قرار داده چگونه ممکن است نقل قول یک آخوند از قرآن را توهین تلقی کند؟

در اینجا با معنای توهین برای نویسندگان نامه گم شده و یا موقعیت قرآن در نزد مردم ایران نادیده گرفته شده است.

اگر آقایان اظهارات مزبور را توهین به ملت ایران میدانند باید به سراغ توهین کننده واقعی بروند نه کسی که از توهین کننده نقل قول کرده و آنرا هم بکشد تا به سازمان ملل متحد برسد. گویا ضرب المثل «دزد را رها کرده جای پایش را چسبیده اید» وصف الحال شماست.

آنقدر مسئله ارتباط بین گناهان کبیره و آفات سماوی در قرآن محکم است که آیه ۶ (سوره ۱۷) ناظر است که اگر خدا بخواهد قومی را نابود کند ابتدا آن قوم را به گناهان کبیره آلوده می سازد، و سپس آن قوم را نابود می کند. یعنی خود خدایند هم نیاز به این ارتباط داشته است.^۴

اظهارات فاقد ارزش های علمی است:

آقایان مدعی شده اند که اظهارات ارزش علمی ندارد.

آیا آنچه در قرآن و یا تورات و یا انجیل آمده ارزش علمی دارد؟

فقط آنچه که آخوند مزبور گفته ارزش علمی ندارد؟

دین ثابت و ولایتیغیر است، علم متغیر و متحرک است، دین انتقاد پذیر نیست، علم درمجرای انتقاد و تفحص و جستجو می رود. علم بدنبال راه یابی برای آسایش زندگی است، دین آسایش زندگی را محکوم و به آخرت فکر می کند. سفره علم برای همه مردم باز است که از آن استفاده کنند، سفره دین فقط برای کسانی باز است که خدا آنها را دعوت کند.

آقایان می خواهند چیزی که ذاتا ثابت و غیر متحرک است، (دین و تراوشات آن) مانند علم متحرک و پیشرو باشد. این نقض غرض است. کجدار و مریز است.

اصولا در دنیای دین، علم تعریف خاصی دارد که با تعریف علم در جهان متداول بسیار تفاوت دارد، بحدی که هم دین به پیروان خودش اجازه ورود به حریم علم را نمی دهد و هم عالمان امروزی شرم دارند از اینکه پای به محدوده مقررات دین بگذارند.

^۴ - خدایی که در همان قرآن مدعی، «الرحمن الرحیم» است و در بالای هر سوره آنرا بنام خود خطبه زده است، در میان آیه ها فراموش می کند، چگونه خدایی است و ناگهان به «ماکرالمکارین» «قاسم الجبارین» و دیگر صفات که در همان قرآن به شیطان نسبت داده شده است مبدل می گردد. وقتی قرآن را می خوانید ضد و نقیض و تضاد ها و فراموشکاری «الله» معجزه می کند. ح-ک

سلب اعتماد مردم:

فکاهی ترین قسمت نامه آقایان آنجاست که نوشته اند: «این سخنان که فاقد ارزش علمی است سبب سلب اعتماد مردم از سران مملکت و آیت الله خامنه ای میگردد» عین جمله از نامه است لذا توصیه کرده اند که خامنه ای اظهارات غیر علمی مشاور خود را رسماً تکذیب کند.

فکاهی در اینجاست که آقایان هم قائل به مشروعیت جمهوری اسلامی و هم رهبری ولایت خامنه ای و هم معتقدند که مردم به حکومت ملاها اعتماد دارند.

یعنی اگر آخوند صدیقی این اظهارات را نمیکرد، اعتماد مردم به سران مملکت و خامنه ای دست نخورده باقی می ماند. عجب قضاوتی آنهم از کسانی که مدعی روشنفکری هستند.

فرق انسان با ربات (رباط):

فرق انسان با ربات در این است که انسان میفهمد چکار می کند و آثار عمل و فکر و کلامش را می تواند ارزیابی کند ولی ربات، همانطور عمل می کند که به آن دستور داده می شود.

مشاور امنیت ملی آمریکا در سال ۱۳۸۲ گفت: «در ایران روشنفکرانی هستند که هرچه ما میگوییم آنها عمل می کنند همانند تفنگ هرچه را اشاره کنیم نشانه میگیرند»

آقایان محترم امضا کنندگان نامه خطاب به دبیرکل سازمان ملل، ربات نباشید... بین حق و منافع کشور با حکومت و افراد حکومت و کل رژیم قائل به تفاوت بشوید.

دیده اید که تیمهای نجات گروگان ها هدفشان حفظ جان گروگان است. ایران گروگان آخوند ها است، به گروگان تیر نیاندازید.

=====

جانانه نوشته ای است.

شوربختانه نه تنها این آقایان به اصطلاح روشنفکر ربات پیشه در دست بیگانگان همانند موم به هرشکلی که آنان می خواهند در می آیند بلکه بسیاری را هم مغزشویی میکنند و آنان را هم گمراه میکنند.

کار ما از ریشه خراب است.

خرابی ریشه بسیاری از این آدم های کوکی، بدتر و زشت تر، خطرناک تر و مضرتر از «خرافات» است.

از ماست که برماست.

ح-ک